

۳ نکته‌ای که باید در مورد روت بدانید

دیوید استرین

ما کتاب روت را دوست داریم؛ زیرا داستان عاشقانه‌ی دلپذیر روت و بوعز را روایت می‌کند. ما آن را دوست داریم؛ زیرا پر از معانی دلچسبی است که قرار است ما را از شادی نیکویی خدا به خنده وادارد. ما آن را دوست داریم؛ زیرا داستانی است که نه بر روی ماجراجویی‌های جنگجویان، داوران یا پادشاهان، بلکه بر روی دو زن فقیر و مستمند که تلاش می‌کنند راهی به سوی کمال و امید پیدا کنند تمرکز دارد. اما کتاب روت چیزهای بیشتری ارائه می‌دهد.

۱. گام‌های نامحسوس گناه

در ابتدا، در شروع روایت و تصمیم سرنوشت‌ساز نعومی و آیمَلک برای ترک کردن سرزمینشان، ما شاهد تصمیمات ظاهراً معقولی هستیم که هر کدام به طور غیرمستقیم خانواده را از وعده‌های خدا دور می‌کند. تراژدی مرگ آیمَلک و دو پسرش، مَحْلُون و کَلِیون، و بازگشت عُرْفَه به خانه‌ی پدری‌اش در موآب به جای بازگشت به اسرائیل با نعومی و روت، همگی از خانواده‌ای سخن می‌گویند که زمانی در وفاداری به خدا قدم می‌زدند، اما راه خود را گم کرده بودند. نام آیمَلک به معنای "خدای من پادشاه است" می‌باشد. اما ازدواج پسرانش با دختران بت‌پرست و ترک کردن سرزمین موعود به نفع ظاهر فراوانی موآب، همه از کوتاه‌بینی او حکایت دارد. قحطی یکی از لعنت‌های هشداردهنده‌ای بود که خدا وعده داده بود به خاطر شکستن عهد بر قوم خود نازل خواهد کرد (تثنیه ۲۸: ۱۵-۱۸، ۳۸-۴۰). اما به نظر می‌رسد که آیمَلک به جای یادآوری کلام خدا، ماندن در سرزمین موعود و توبه از شکستن عهد، سعی کرد با عقل خود مشیت را تفسیر کند و استدلال کرد: «از آنجایی که در موآب قحطی وجود ندارد، پس باید به آنجا برویم». اما ما هرگز مفسران مطمئنی از مشیت نیستیم. ما باید بگذاریم کلام خدا بر زندگی ما حکومت کرده و ما را هدایت کند، نه نتیجه‌گیری‌های داوری‌های شخصی خودمان.

۲. فیض سخاوتمندانه‌ی خدا

برخلاف عُرْفَه، روت تصمیم گرفت به همراهی نعومی ادامه دهد و قوم و خدای نعومی را از آن خود کند. او تبدیل شده بود. بقیه‌ی داستان به طرز شگفت‌انگیزی استقبال از این زن موآبی را در جامعه‌ی عهد به تصویر می‌کشد. در پادشاهی عیسی مسیح، گناهکارانی که به او اعتماد می‌کنند، از هر قبیله، زبان و ملتی استقبال می‌شوند. همان‌طور که معلوم می‌شود، در واقع، اغلب این نعومی، بیوه‌ی عبرانی است که بیشتر شبیه موآبی‌ها به نظر می‌رسد تا عروس پیشین بت‌پرست او. به‌عنوان مثال، از متن به نظر می‌رسد که او روت را تشویق می‌کند تا بوعز را در اواخر یک شب در خرمنگاه گیر بیندازد تا شوهر پیدا کند. اما بوعز مردی خداپرست بود و صداقت و مهربانی او نه تنها روت را از طریق ازدواج وارد جامعه عهد کرد، بلکه

نعومی را از تلخی به شادی تازه‌ای بازگرداند. حتی می‌توان گفت که کتاب روت تقریباً به اندازه‌ی روت که به زیر سایه‌ی بال‌های قادر متعال تعلق دارد، در مورد بازگرداندن نعومی از سرگردانی دل‌شکسته‌اش نیز هست.

و در این میان، بوعز، ولی نجات‌دهنده، ما را به‌سوی خداوند عیسی مسیح هدایت می‌کند. وظیفه‌ی ولی نجات‌دهنده این بود که هر زمینی را که قبلاً به خویشاوند مرده‌ای تعلق داشت، تصاحب کند تا اطمینان حاصل شود که سهم او در اسرائیل در خانواده باقی می‌ماند. طبیعتاً این امر باعث می‌شد که چشم‌انداز خدمت در این نقش بالقوه سودآور باشد. اما در این مورد، وظایف دیگری همچون تأمین نیازهای نعومی، ازدواج با روت و پرورش وارث برای آلیملک را داشت. هر فرزندی که از این اتحاد به دنیا می‌آمد، زمین آلیملک را به ارث می‌برد و دیگر به ولی نجات‌دهنده تعلق نداشت.

در کتاب روت، یک ولی نجات‌دهنده بود که ادعای قبلی نسبت به بوعز داشت، که وقتی از امکان زمین و دارایی‌ها آگاه شد، ابتدا مشتاق بود. اما وقتی از دو زن و وظیفه تأمین وارث برای آلیملک مطلع شد، به‌سرعت عقب‌نشینی کرد. وظیفه او نسبت به خانواده آلیملک به‌راحتی می‌توانست بسیار پرهزینه‌تر از هر سودی باشد که زمین برایش به ارمغان می‌آورد باشد. اما بوعز هیچ نگرانی نداشت. او آماده بود تا تمام هزینه‌ها را بپذیرد و همه‌ی بار را به دوش بکشد. اینجا نگاهی دیگر به انجیل در کتاب روت است، زیرا ما ولی نجات‌دهنده حقیقی و کامل در عیسی مسیح داریم، که با هزینه‌ی وحشتناک جان خود و باکمال‌میل، همه چیز را داد تا کلیسا را عروس خود کند.

۳. پیشینه‌ی معمولی عوبید

کتاب با ازدواج روت و بوعز و تولد پسرشان، عوبید، وارث الیملک به پایان می‌رسد. راوی از عبارتی برای بارداری روت استفاده می‌کند که تنها دو بار در کتاب مقدس عبری استفاده شده است، که مهم‌ترین آن در لعنت حوا در پیدایش ۳: ۱۶ است. حوا در درد، باردار می‌شد و فرزندی به دنیا می‌آورد، اما نسل او روزی سر مار را خرد خواهد کرد. روت به‌عنوان یک حوای جدید به تصویر کشیده می‌شود و پسرش فرزند وعده‌ای است که در خدمت اهداف خدا خواهد بود (عوبید به معنای «خادم» است). ما می‌آموزیم که عوبید پدر یسی است و یسی پدر داوود است.

کتاب روت با تعیین محل وقوع در زمان داوران آغاز می‌شود، زمانی که پادشاهی نبود و هر کس آنچه را که در نظر خودش پسند می‌آمد انجام می‌داد (داوران ۲۱: ۲۵). اما اکنون ما شاهد طرح حاکم خدا در جزئیات ظاهراً پیش‌پاافتاده‌ی یک خانواده بی‌اهمیت هستیم. او همه‌ی جزئیات را در کنار هم قرار داد تا تولد داوود پادشاه و از طریق داوود، آمدن شاه شاهان، خداوند عیسی مسیح، خادم رنج‌کشیده را تضمین کند. عیسی از یک پیشینه‌ی معمولی می‌آید. او یکی از ماست و چون او یکی از ماست، می‌تواند به‌جای ما بایستد و می‌تواند با ما در ضعف‌هایمان همدردی کند.

این مقاله بخشی از مجموعه «هر کتاب از کتاب مقدس: ۳ نکته‌ای که باید بدانید» است.

این مقاله در مجله تبیل‌تاک منتشر شده است.

دکتر دیوید استرین، کشیش ارشد First Presbyterian Church در جکسون، میسیسیپی است. او نویسنده‌ی «موعظه‌ی تشریحی» و تفسیری بر روت و استر در مجموعه تفاسیر «Focus on the Bible» است.